

اعلامیه کمیته کردستان حزب حکمتیست پاکسازی قومی در میزند

دارند یا نه؟ مهم این است که همه شهروندان این جامعه، همه زنان و مردان منتسب به زبانهای مختلف متوجه باشند که چگونه تعصب و کینه قومی، ملی، مذهبی و محلی میتواند برای هر دارونده فاشیست و ضد انسانی آشخوری شود و عراق و یوگسلاوی دیگری برای جامعه و مردم تدارک ببینند.

دیروز قوم پرستان کرد به دانش آموزان در شهرهای کردستان توصیه میکردند که به مناسب آغاز سال تحصیلی یک هفته اول را فقط با ←

اخیرا بیانییه ای از طرف "حزب استقلال آذربایجان جنوبی" منتشر شده است. در این بیانییه به بهانه بعضی تقسیم بندی بربط شهرها در استانهای آذربایجان و کردستان، این بیانییه قوم پرستانه برای مردمی که در این شهرها زندگی میکنند و سالهای سال در کنار هم زندگی و مبارزه کرده اند، پیامی جز دامن زدن به نفرت قومی و خطر جنگ خانه به خانه ندارد.

مهم نیست این "حزب" چند نفر هستند و یا اساسا امکان رشد

پاکسازی قومی در میان مردمی است که سالهای سال در شهرهای مختلف و در مناطق مختلف همدوش با هم کار و زندگی و تحصیل میکنند و حتی محرومیت و رنج زندگی و اذیت و آزار یک حکومت سیاه اسلامی را با هم تحمل میکنند و مبارزه ای مشترک را برای خلاصی از دست این رژیم با هم مشترکا به پیش میبرند.

حتی اگر حزب آذربایجان جنوبی را هم جدی نگیریم، اما این نوع سیاست ضد انسانی و سیاه را باید جدی بگیریم. چون اینها بر خرافه ناسیونالیسم و تفرقه بر مبنای "هویت ملی" سرمایه گذاری میکنند. خرافه ای که متأسفانه هنوز جامعه به اندازه کافی در مقابل آن مصونیت ندارد. ←

دست قوم پرستی از زندگی مردم کوتاه (در حاشیه بیانییه حزب آذربایجان جنوبی)



رحمان حسین زاده

طرز فکر و سیاستی که در این بیانییه مطرح شده، نقش موثری پیدا کند، آیا به عواقب و مصائبی که از قبل چنین سیاستهایی به جامعه ایران تحمیل کنند، فکر کرده اید؟

سیاست متکی به ایجاد دشمنی و نفرت در میان شهروندان ترک و کرد و فارس زبان و... سیاست تقدس "خاک پاک قوم" و دمیدن در شیپور جنگ دفاع از "سرزمین پدری" و ایجاد تعصبات کورقومی حول بی ربط ترین موضوعات به زندگی و حیات روزمره مردم، سیاست تهدید و جنگ و

بیانییه ای که در همین شماره نشریه چاپ شده است، توسط یک گروه قوم پرست آذربایجان منتشر شده است. یکبار با نقت این بیانییه را مطالعه کنید. گمنامی این جریان و بی وزنی آن در صحنه سیاست جامعه ایران به جای خود، اما تصور کنید که زمانی و در جریان تحولات سیاسی ایران چنین

اعلامیه فرماندهی گارد آزادی علیه خطر پاکسازی قومی و نیروهای سناریوی سیاه، گارد آزادی را سازمان دهید

(در حاشیه بیانییه "حزب استقلال آذربایجان جنوبی")

گروهی به نام "حزب آذربایجان جنوبی" بیانییه ای قوم پرستانه و فاشیستی منتشر کرده است. ابتدا به بخشهایی از این بیانییه توجه کنید!:

"در این اواخر نقشه ای بنام نقشه ای خاورمیانه جدید از طرف نویسندگان مجله "نیروهای مسلح آمریکا" رالف پیترز برای برقراری صلح در خاورمیانه ارائه شده است. آقای رالف پیترز به دلیل عدم اطلاع از جغرافیای ملی و تاریخی منطقه در این نقشه تبریز و اکثر شهرهای آذربایجان را جزو کردستان قلمداد کرده است. چرا که ما اطمینان داریم اگر

ایشان می دانستند که حتی یک نفر کرد هم در تبریز وجود ندارد آنوقت چنین خطای مرتکب نمی شدند که تبریز و دیگر شهرهای آذربایجان همچون ارومیه، خوی، ماکو، سلماس، سولدوز (نقده)، خانای، سویوق بولاغ (مهاباد) و سایر شهرهای آذربایجان را کردستان بخوانند. همین اشتباهات ایشان دلیل واضحی بر عدم آگاهی ایشان از منطقه می باشد. بدینوسیله حزب استقلال آذربایجان جنوبی ضمن درخواست اصلاح اشتباهات فوق از طریق منابع منکوره به تمامی احزاب و گروه های کرد که شهرهای آذربایجان از جمله ارومیه، خوی، ملکی، سلماس، سولدوز (نقده)، خانای (پیرانشهر)، سویوق بولاغ (مهاباد) و غیره را کردستان قلمداد می کنند اخطار می دهد: [حزب استقلال آذربایجان جنوبی، اراضی آذربایجان را با هیچ شخص یا گروه مذاکره نخواهد کرد. 2- اسم این منطقه بر روی خودش هست (آذربایجان غربی). 3- اگر می خواهید در صلح و آرامش همسایه باشیم باید از این ادعاهای خویلیت دست بردارید. در غیر این صورت به آذربایجان اعلان جنگ می کنید که آنهم به نفع شما نخواهد بود. 4- از اراضی آذربایجان حتی یک سانتیمتر هم که باشد به احدی واگذار نخواهد شد. 5- حزب استقلال آذربایجان جنوبی بعنوان حق طبیعی، ملی و بین المللی خود تا آخرین قطره خون از تمامی خاک آذربایجان دفاع خواهد کرد."

سخنگوی حزب استقلال آذربایجان جنوبی صالح ایلدیریم ۲۸ اکتبر-۲۰۰۶

آنچه مطالعه کردید ادعاهای یکی از دارو دسته های قومی و سناریو سیاهی است که میخوانند آنها را علیه مردم در ایران مسلح و تجهیز کنند و صحنه های کشتار و جنگ مشابه امروز در عراق را ببار آورند. این گویای درستی هشدارهای مکرر ما است که گفته ایم، در غیاب صف متحد و آگاه مردم چنین جریان فاشیست و ضد مردمی میتوانند جنگ و خانه خرابی کم سابقه ای به کل جامعه تحمیل کنند. این نوع جریان فاشیست در آذربایجان، کردستان، اهواز و بلوچستان و... هیچ ربطی به مردم آن مناطق که اهداف و درد و رنج مشترک دراز مدتی در مقابله با جمهوری اسلامی و خود این عوامفریبان را دارند، نداشته و نخواهند داشت. تبریز و نقده و مهاباد و پیرانشهر و تهران رنگ قومی ندارند و محل کار و زندگی انسانهای ساکن آنجا منتسب به زبانهای مختلف است. با آگاهی و هوشیاری و صف متحد و متشکل مردم میتوان علیه دسته بندیهای کلاب قومی و مصائب آن به میدان آمد. لازم است اهرمهای قوی مقابله با بنیان جنگ قومی را سازمان داد. ما تاکید کردیم که گارد آزادی مهمترین ابزار این مبارزه است. تجربه کونی عراق و میدان داری دستجات نظامی قومی و مذهبی این واقعیت را تاکید میکنند، که این جریانات را با زبان خوش نمیتوان سر جای خود



همین قوم پرستان آنری با تحرک ارتجاعی ناسیونالیستی چند ماه گذشته در تبریز قوت قلب بیشتری گرفتند که امروز این چنین زبان تهدید بکار میگیرند. مهمتر اینکه اینها گسترش پاکسازیهای قومی مورد حمایت آمریکا و دولت‌های مرتجع را در همین یک دهه اخیر تکیه گاه خود میدانند. به رواندا، یوگوسلاوی، افغانستان و بویژه به عراق کنونی نگاه کنید! همین سیاست با دامن زدن به هویت‌های کاذب قومی و مذهبی و با به راه انداختن جنگ قومی و مذهبی زندگی میلیون‌ها انسان را به سیاهی کامل کشیده اند و میلیون‌ها نفر را قربانی کرده است. دارو دسته های قومی و مذهبی مسلح را که در همین کشورها در یک چشم به هم زدن مثل قارچ سبز شدند و به جان مردم افتادند را به خاطر ببایورید. یکباره گانگسترهای کوسوو و صرب و کرووات و مجاهدین افغان و تروریست‌های بن لادن و غیر بن لادن و جیش المهدی کنونی در عراق را ساختند. متأسفانه دارند چنین جریانات سیاه و فاشیستی با همان درجه از ظرفیت جنایت و با همان دستور کار مشابه را برای آینده ایران میسازند و یا آماده و حمایت میکنند. قوم پرستان و فدرالیست‌های مشابه حزب آذربایجان جنوبی، سازمان زحمتکشان و حزب دمکرات در کردستان، گروه الاحواز و قوم پرستان بلوچ از همین قماش اند. چندی قبل همین ها، قوم پرستان آنری و کرد و بلوچ و الاحواز را در واشنگتن تحت نام "نمایندگان ملیتهای ایران" جمع کردند. آنها را حول نقشه نظامی آمریکا در ایران به خط کردند. به پول و اسلحه و امکانات تبلیغاتی و نقشه جنگی پنتاگون امپدوارشان کردند، تا دقیقاً در جریان سرنگونی جمهوری اسلامی و

بعد از آن همان نقش سیاهی را اجرا کنند که دارو دسته های نظامی و سناریو سیاهی تاکتونی بازی کرده اند. طرح فدرالیسم و "کنگره ملیتهای ایران" پروژه و قالب سیاسی به بازی گرفتن قوم پرستان و اجرای سناریوی سیاه در ایران است. جنبش و حزب ما سالها است هشدار میده که این پدیده را باید جدی گرفت و هر جریان و انسان مسئول در قبال زندگی و آینده مردم ایران را به چنین تلاش مهمی علیه جنگ و پاکسازی قومی در آینده فراخوان داده است.

از تک تک استدلالات و احکام و تهدید آشکار گروه فاشیستی "آذربایجان جنوبی" بوی خون میاید. در صف مقابل، فدرالیست‌های کرد نیز از سالهای قبل با همان احکام و استدلالات فاشیستی سخن میگویند. قوم پرستان هر دو طرف دارند شهروندان جامعه را حول هویت کاذب قومی علیه همدیگر بسیج میکنند. هر دو گونیا و خط کش به دست گرفتند و مرز "کشور فدرالشان" را از وسط های شهرهای بزرگی تعیین میکنند. هر دو طرف قسم میخورند تا آخرین قطره خون از مرزهای نامقدسشان دفاع می کنند!! معنای عملی این چیزی نیست جز اینکه اگر امکانش را داشته باشند، همانند پاکسازیهای قومی رواندا و یوگوسلاوی سابق و امروز عراق، کوردستان و مدرسه و دانشگاه و بیمارستان و محلات مسکونی مردم را به میدان کشتار و گورهای دسته جمعی تبدیل میکنند. خیابانهای تبریز و ارومیه و مهاباد و پیرانشهر و نغده را به صحنه جنگ و بریدن زبان هر غیر هم زبان خود تبدیل میکنند. تراژدیهای بسیار بزرگتر از صحنه های کشتار امروز در بغداد و کرکوک و رمادی و بصره

عراق را سازمان میدهند. واقعیت اینست یک عده انگل قوم پرست درست نسخه رویدادهای رواندا و عراق و بالکان را راه به قدرت رسیدن خود و رسیدن به نان و نوابی میدانند. به دولتهای بزرگ و کوچک و مرتجع و ضد انسان متکی میشوند. تلویزیون و اسلحه و پول میگیرند و ظاهراً سازمان درست میکنند و سیاست طراحی میکنند!!

این نوع سیاست و "سیاستمداران" و "گروههای سیاسی" را لازمست منزوی و رسوا کرد. نباید اجازه داد زندگی چند نسل مردم ایران را تحت لوای ملیت و قومیت و فدرالیسم و استقلال به تباهی بکشند. وظیفه مردم و هر جریان و شخصیت مسئول حکم میکند، برای مقابله با سناریوی قوم گرایی این جریانات آماده شد. سه دهه خون مردم را تحت نام اسلام و حکومت اسلامی در شیشه کردند، نباید اجازه داد این بار تحت لوای قومیت همان تباهی و اسارت را پیاده کنند. با صدای رسا و با صفا گسترده و وسیع باید اعلام کرد دست قوم پرستی از زندگی مردم کوتاه. نباید اجازه داد این انگل ها برای آینده سیاسی آن جامعه نقشه و طرح اجرا کنند. طرحهای ضد انسانی آنها در پوشش سیاسی "فدرالیسم و استقلال" چیزی نیست جز همین واقعیتی که امروز جلو چشم همگان در عراق در جریان است. نباید گذاشت حیات و سرنوشت چند نسل مردم ایران چنین رقم بخورد. خطر جنگ و پاکسازی قومی یک احتمال بسیار نگران کننده است و هوشیاری و آمادگی کل مردم ایران و هر جریان سیاسی مسئول را میطلبد. برای مقابله با طرحهای سیاه جریانات قومی و ارتجاعی باید متحد و متشکل شد. لازمست دست در دست هم گذاشت،

اگره های قدرت مقابله و خنثی کردن این سرطانی قومی را مهیا کرد. حزب حکمتیست و گارد آزادی با سیاست روشن و پیگیری لازم مهمترین اهرم این مبارزه بی امان در مقابل نیروهای سناریو سیاه و در دفاع از امنیت و مدنیت جامعه ایران است. این حزب و گارد آزادی را باید تقویت کرد و گسترش داد.

صف اعتراض و مبارزه بر حق مردم از دارو دسته های قومی جدا است. این دو صف هیچ منفعت مشترکی با هم ندارند. مردم در آذربایجان و کردستان و تهران و بلوچستان و خوزستان اسیر دست حاکمیت سیاه اسلامی و فقر و فلاکت و بیکاری و عدم تامین زندگی و اختناق و استبدادی هستند که این رژیم سیاه حاکم کرده است. پایه مبارزه مشترک این مردم برای رفاه و سعادت و آزادی و برابری و برای پایان دادن به هر نوع تبعیض و ستم و نابرابری و برای پایان دادن به فقر، فلاکت، بیکاری و استبداد و در هم کوبیدن قطعی جمهوری اسلامی است. نباید گذاشت قوم پرستان روی نفرت و اعتراض بر حق مردم علیه جمهوری اسلامی سرمایه گذاری کنند. چه برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و چه برای مقابله با دارو دسته های نظامی و قوم پرست باید آماده و متحد و متشکل بود. حزب حکمتیست با پلاتفرم منشور سرنگونی و با گارد آزادی و با باز کردن جبهه بی امان مبارزه علیه فدرالیسم و قوم پرستی همه مردم آزادیخواه را به صف مبارزه انقلابی و انسانی فرا میخواند.



زبان کردی حرف بزنند، و یا نقشه کردستان را هر روز به دلخواه تا کرمانشاه و ارومیه و خراسان! بزرگ و کوچک میکنند. و امروز قوم پرستان آنری نسخه جنگ بر سر مهاباد (و به قول این ها سویق بولاق!!) و شهرهای دیگری را در سر میپوراندند.

مردم آزادیخواه!

رژیم اسلامی بیست و هفت سال تلاش کرد هویت کاذب مذهبی برای ما بترشد و موفق نشد. امروز همه ما با بورس اندختن هر نوع هویت کاذب و مسخره

مذهبی برای سرنگون کردن رژیمی که برای ما جز فقر و فلاکت و سرکوب ارمانی نداشته دست در دست هم به میدان آمده ایم.

اجازه ندهیم اینبار به نام هویت قومی و به بهانه ضدیت با جمهوری اسلامی مشتاقی قومپرست صفوف ما را از هم بپاشند.

امر ما رسیدن به آزادی و زندگی سعادتمند در کنار هم است و اینرا به مبارزه متحد و متشکلمان بست خواهیم آورد. سناریوی گروههای قوم پرست چیزی بیشتر از یوگوسلاوی و عراق نیست. نباید گذاشت چنین جهنمی را به ما نیز تحمیل کنند.

شهروندان ترک و کرد و عرب زبان از تهران یا فراری شوند و یا جنازه هایشان در هر کوچه و خیابانی بر زمین بیفتد. بیایید با ما و در حزب ما و در صفوف انسانی و انقلابی ما و در گارد آزادی مظهر قدرت و اتحاد مردم، برای مقابله با این نوع جنب و جوش ها متحد شویم و اجازه ندهیم ایران عراقیزه شود.

مرگ بر جمهوری اسلامی

نه قومی، نه اسلامی، زنده باد هویت انسانی

کمیته کردستان حزب حکمتیست

۸ آذر ۸۵

نه قومی، نه اسلامی، زنده باد هویت انسانی!

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

اطلاعیه فرماندهی گارد آزادی... از ص ۱

نشانند. لازمست با قدرت گارد آزادی قوی و مسلح و در هم تنیده با مبارزات مردم دست این بلندهای سیاه را از زندگی مردم کوتاه کرد.

مردم آزادیخواه ، جوانان

یک مشت اوباش ناسیونالیست قوم پرست ترک و کرد و فارس و عرب و با پول پنتاگون و دولتهای مرتجع منطقه جان گرفته اند و بانی باد زدن شکافهای قومی و جنگ قومی فردا خواهند بود. اینها میخواهند جامعه را به سوی پاکسازی قومی و نسل کشی و پاشاندن شیرازه جامعه سوق دهند. در مقابل اینها باید قدرت مردم را سازمان داد. مادام که خطر ایجاد جنگ و پاکسازی قومی توسط این داروخته ها در همه جای ایران وجود دارد، در نتیجه گارد آزادی را در سراسر ایران و در هر محله و شهری باید سازمان داد. در تبریز و تهران و ارومیه و مهاباد و بیرانشهر و نقه و گارد آزادی تکیه گاه مبارزه آزادیخواهانه در مقابل تعرضات دستجات نظامی قومی و اسلامی و ضد مردم است. گارد آزادی اهرم اتحاد و قدرت مردم است. حافظ امنیت سیاسی و اجتماعی و مدنی جامعه خواهد بود. دست بکار شوید ، واحدهای گارد آزادی را در هر جا که میتوانید بر مبنای سیاستهای اعلام شده توسط فرماندهی گارد آزادی سازمان دهید. دست در دست هم بگزارید و متشکل شوید. با حزب حکمتیست و فرماندهی گارد آزادی ارتباط بگیرید.

فرماندهی گارد آزادی

9 آذر 1385

بحث اجتناب از سناریوی سیاه بحثی در مورد تشویق مسالمت جویی یا نهی از خشونت نیست. بحث بر سر تلاش برای منتفی کردن این سناریو، اساسا از طریق رشد آگاهی و آمادگی مردم و منزوی کردن نیروهای سناریوی سیاه و در عین حال ایجاد آمادگی برای قدرتمند ترین دخالت کمونیستی در سطوح سیاسی و نظامی برای ختم یک چنین وضعیتی در صورت وقوع آن است. بخش مهمی از پروسه کسب آمادگی حزب برای چنان شرایطی تامین ملزومات دخالت فعال حزب در یک اوضاع متشنج و بسیج نیروی مردم برای در هم کوبیدن جریانات مرتجع و سیاه است. این باید در تبلیغات حزب روشن باشد که حزب کمونیست کارگری نه فقط نظاره گر چنین اوضاعی نخواهد بود، بلکه نیروی سازمان یافته و فعال در صحنه مبارزه سیاسی و نظامی خواهد بود که برای به میدان کشیدن مستقل صف طبقه کارگر و سوسیالیسم کارگری و پیروزی آلترناتیو کارگری مبارزه میکند. (منصور حکمت)

در توضیح سناریوی سیاه نباید برجستگی زیادی به اختلاف و کشمکش قومی و ملی بعنوان یک رکن این اوضاع داده شود. از نظر ما پیدا شدن و بالاگرفتن شکافها و اصطکاکهای قومی میتواند صرفا یک نتیجه تبعی و عارضه چنین اوضاعی و فعال شدن جریانات عقب مانده و عوامفریب باشد. این تجسم که گویا جامعه ایران ائتلافی شکننده از اقوام و ملت هاست، واقعی نیست و بحثهایی که مساله آزادی و سرنوشتی رژیم اسلامی را از سر ستم قومی و ملی و یا نیاز به یک جامعه فدرال و غیره مطرح میکنند از نظر ما نه فقط عقب مانده اند بلکه زمینه ساز خلق کشمکشهای ملی و قومی بعدی خواهند بود. حزب باید این پروبلماتیک را منزوی کند و به حاشیه براند. حزب کمونیست کارگری باید از یک سو موضع اصولی خود را در قبال مساله کرد (رفراندوم آزاد بر سر جدایی و توصیه باقی ماندن بعنوان شهروندان متساوی الحقوق) را به روشنی و صراحت طرح کند و جریانات شوونیست را که آماده قبول راه حل سیاسی و مراجعه به آراء عمومی در کردستان نیستند بگوید، و از سوی دیگر بحث حق تعیین سرنوشت همه خلقها ، کشور کثیر المله و فدرالیسم و غیره را بعنوان بحثهای انحرافی، غیر واقعی و مضر برای امر آزادی و رهایی در ایران رد کند. ما خواستار یک کشور آزاد غیر قومی، غیر ملی، غیر مذهبی با یک قانون واحد برای همه ایم. برای دخالت اصولی با فرمولاسیونهای دقیق در بحث مساله ملی در میتینگها و آکسیونهای مختلف لازم است رفقا مباحثاتی که در این زمینه در نشریات حزب مطرح شده و خواهد شد را در طرائف و جزئیات مورد توجه قرار بدهند. (منصور حکمت)

بیانیه حزب استقلال آذربایجان جنوبی

(آذربایجان غربی).
۳- اگر می خواهید در صلح و آرامش همسایه باشیم باید از این ادعاهای خولیاتی دست بر دارید. در غیر این صورت به آذربایجان اعلان جنگ می کنید که آنهم به نفع شما نخواهد بود.
۴- از اراضی آذربایجان حتی یک سانتیمتر هم که باشد به احدی واگذار نخواهد شد.
۵- حزب استقلال آذربایجان جنوبی بعنوان حق طبیعی ، ملی و بین المللی خود تا آخرین قطره خون از تمامی خاک آذربایجان دفاع خواهد کرد.

سخنگوی حزب استقلال آذربایجان جنوبی
صلاح ایلدیریم ۲۸ اکتبر- ۲۰۰۶

های فرصت طلب کرد با بهره برداری از این اوضاع و علم کردن همان نقشه های غلط و درج آن در سایت های خود به اراضی تاریخی ، طبیعی و ملی آذربایجان تعرض نموده و آذربایجان غربی را کردستان قلمداد می کنند. باید به آنها یادآور شویم که این منطقه هنوز هم به اسم تاریخی خود (آذربایجان) در نقشه های قدیم و جدید ثبت شده ، می شود و خواهد شد.
بدینوسیله حزب استقلال آذربایجان جنوبی ضمن در خواست اصلاح اشتباهات فوق از طریق منابع منکر به تمامی احزاب و گروه های کرد که شهر های آذربایجان از جمله اورومیه ، خوی ، ماکو ، سالماس ، سولدوز (نقده) ، خانا (پیرانشهر)، سویوق بولاق (مهاباد) و غیره را کردستان قلمداد می کنند اخطار می دهد :

۱- حزب استقلال آذربایجان جنوبی اراضی آذربایجان را با هیچ شخص یا گروه مذاکره نخواهد کرد.
۲- اسم این منطقه بر روی خودش هست

الی هشت درصد اهالی اورومیه را مهاجران کرد تشکیل می دهد و یا در سویوق بولاق (مهاباد) میزان قابل توجه ای کرد اسکان یافته اند. آقای رالف پیتر حتی از آمار ترکهای آذربایجان نیز خبر ندارد که ۳۵ میلیون ترک آذربایجان در کشور به اصطلاح ایران وجود دارد که اکثریت نفوس ایران را تشکیل می دهد. باید به آقای رالف پیتر گفت که هر طرح و به هر نامی بخواهد اراضی و شهر های آذربایجان را بمانند کردستان جا بزند ، نه تنها هیچ کمکی به صلح در خاورمیانه نمی کند بلکه موجب بروز درگیری بزرگ و ریخته شدن خون هزاران انسان خواهد شد.

باید علاوه کنیم که سایت بی بی سی به نقل از منابع سیا با ارائه نقشه ای آذربایجان غربی را به اشتباه جزوی از کردستان نشان می دهد که آن نیز گویای عدم آگاهی صحیح سیا از منطقه می باشد. آرومنیدیم که این اشتباه نیز رفع شود.
امادر این میان بعضی از احزاب و گروه

در این اواخر نقشه ای بنام نقشه ای خاورمیانه جدید از طرف نویسنده مجله "نیروهای مسلح آمریکا" رالف پیترز برای بر قرار ای صلح در خاورمیانه ارائه شده است. آقای رالف پیترز به دلیل عدم اطلاع از جغرافیای ملی و تاریخی منطقه در این نقشه تبریز و اکثر شهر های آذربایجان را جزو کردستان قلمداد کرده است. چرا که ما اطمینان داریم اگر ایشان می دانستند که حتی یک نفر کرد هم در تبریز وجود ندارد آنوقت چنین خطای مرتکب نمی شدند که تبریز و دیگر شهر های آذربایجان همچون ارومیه ، خوی ، ماکو ، سالماس ، سولدوز (نقده) ، خانا ، سویوق بولاق (مهاباد) و سایر شهر های آذربایجان را کردستان بخواند. همین اشتباهات ایشان دلیل واضیحی بر عدم آگاهی ایشان از منطقه می باشد.

البته در بعضی شهر های آذربایجان غربی کرد های مهاجر که از عراق و در زمانهای مختلف به این مناطق پناهنده شده اند و میهمان آذربایجان هستند، بعنوان مثال هفت

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!